

اسطوره و حماسه

در رمان نوجوان

نویسنده: ملیحه مصلح

www.ketab.ir



سرشناسه	: مصلح، ملیحه، ۱۳۵۷
عنوان و نام پدیدآور	: اسطوره و حماسه در رمان نوجوان / نویسنده: ملیحه مصلح
مشخصات نشر	: تهران، آرون، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۳۳۲ ص.
شابک	: ۸ - ۰۵۰ - ۳۱۷ - ۶۲۲ - ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا.
موضوع	: ادبیات کودکان و نوجوانان - تاریخ و نقد - ایران
موضوع	: Childrens literature - History and criticism-Iran
موضوع	: داستان‌های نوجوانان فارسی - قرن ۱۴
موضوع	: Young adult fiction, Persian - 2۰ th century
موضوع	: اسطوره در ادبیات - هسته‌های داستانی
موضوع	: Myth in literature - Stories, plots, etc
رده‌بندی کنگره	: PIR ۳۸۶۹
رده‌بندی دیوبی	: ۸ فا ۳ / ۶۲۰۹
شماره کتابخانه ملی	: ۹۱۲۲۷۵۳



اسطوره و حماسه در رمان نوجوان

نویسنده: ملیحه مصلح

ناشر: انتشارات آرون

چاپ اول: ۱۴۰۱

تیراژ: ۲۰ نسخه

۲۹۵۰۰۰ تومان

نشانی: میدان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین، خیابان وحید نظری،

نرسیده به خیابان منیری جاوید، پلاک ۱۰۵ - واحد ۳ تلفن: ۵۱ - ۶۶۹۶۲۸۵۰

ایمیل: Arvannashr@yahoo.com وبسایت: www.Arvannashr.ir

۸ - ۰۵۰ - ۳۱۷ - ۶۲۲ - ۹۷۸

به نام خدا

فهرست مطالب

۹	 مقدمه
۱۵	 فصل اول: مبانی نظری
۱۵	 اسطوره
۱۹	 حماسه
۲۱	 افسانه
۲۲	 پیوند اسطوره، حماسه و افسانه
۲۴	 مبانی نظری سازه‌های اسطوره‌ای حماسی موجود در افسانه‌ها
۲۵	 بن‌مایه
۳۲	 انسان گیاه (گیاه‌تباری)
۳۵	 تقدس گیاه
۳۷	 فره‌مندی
۳۹	 نیای فرهنگی قوم (خرد جمعی بشر)
۳۹	 دیر ماندن و جاودانگی
۴۱	 آسمانی شدن و رفتن به آسمان‌ها
۴۲	 آسیب‌پذیری و بازیافت سلامت
۴۲	 بینایی و بازیافت آن
۴۳	 پیدا و پنهان شدن
۴۳	 پیشگویی و غیب‌دانی
۴۴	 سخن گفتن حیوانات و گفتگو کردن با آنها
۴۴	 گذر از آب

۴۵	کهن‌الگوها
۴۵	آنیما و آنیموس
۴۶	صورت مثالی قهرمان فدایی (اسطوره‌ی قربانی)
۴۷	شخصیت‌ها
۴۷	خضر
۴۹	مانی
۵۲	هوم
۵۵	گیلگمش و حماسه‌ی آن
۵۶	شخصیت تموز (اسطوره‌ی ایزد شهیدشونده، پاگشایی و باززایی)
۵۹	ایشتر
۵۹	وَن جود بیش
۶۰	پری
۶۹	سیمرغ
۷۰	ضحاک (اژدهاکه)
۷۲	همزاد (دوقلوهای مقدس)
۷۳	بستر گوشان
۷۳	دوالپا
۷۴	گرازی با سر آدمی
۷۵	سگساران
۷۵	اشیا
۷۶	سلاح و ابزار جادویی در اساطیر
۸۱	شگردها
۹۳	فصل دوم: تحلیل و بررسی
۹۳	مقدمه
۹۳	مرد سبز شش هزار ساله
۹۳	خلاصه‌ی رمان
۹۴	تحلیل رمان
۹۶	بن‌مایه‌ها
۱۰۷	شخصیت‌ها
۱۲۹	شگردها
۱۳۵	جمع‌بندی
۱۴۱	پریانه‌های لیاسند ماریس

۱۴۱	خلاصه‌ی رمان
۱۴۶	تحلیل رمان
۱۴۷	بن‌مایه‌ها
۱۵۱	شخصیت‌ها
۱۶۴	شگردها
۱۶۶	جمع‌بندی
۱۷۱	اشوزدنگه ۱، ۲ و ۳
۱۷۱	خلاصه‌ی رمان
۱۷۳	تحلیل رمان
۱۷۴	بن‌مایه‌ها
۱۹۵	شخصیت‌ها
۱۹۹	شگردها
۲۰۸	جمع‌بندی
۲۱۳	نبرد اسطوره‌ها
۲۱۳	خلاصه‌ی رمان
۲۱۵	تحلیل رمان
۲۱۵	بن‌مایه‌ها
۲۲۸	شخصیت‌های انسانی و غیرانسانی و اشیا
۲۳۵	شگردها
۲۳۷	جمع‌بندی
۲۴۴	سلحشوران پاره‌آن
۲۴۴	خلاصه‌ی رمان
۲۴۷	تحلیل رمان
۲۴۸	بن‌مایه‌ها
۲۵۹	شخصیت‌های انسانی و غیرانسانی و اشیا
۲۵۹	شگردها
۲۶۱	جمع‌بندی

۲۶۵	فصل سوم: جمع‌بندی و مقایسه‌ی رمان‌های مورد بررسی
۲۶۵	سازه‌های اسطوره‌ای حماسی (بن‌مایه، شخصیت و خویشکاری آنها و...)
۲۷۶	منابع حماسی اساطیری مورد استفاده در رمان‌ها
۲۷۸	دگرگونی‌ها و دگردیسی‌های موجود در رمان‌ها
۲۸۶	شگردهای مورد استفاده برای بیان سازه‌های اسطوره‌ای حماسی
۲۹۸	تفاوت‌ها و شباهت‌های کلی آثار مورد بررسی

مقدمه

اسطوره و هم حماسه‌های هر قوم و جامعه‌ای، بیانگر اندیشه‌ها و دغدغه‌های مردم آن قوم، در برابر امورشناخته و یا واقعیت‌هایی است که ذهن و زندگی او را دربر گرفته است.

اسطوره تجلی دراماتیک و زیربنایی ژرف‌ترین غریزه‌های بشر درباره‌ی آگاهی نخستین خویش نسبت به جهان پیرامون است که می‌تواند حالت‌هایی گوناگون به خود بگیرد؛ حالت‌هایی که تمامی عقاید و رفتارهای ویژه بدن‌ها وابسته است (شور)^۱ ۱۹۴۶: ۲۹؛ گورین^۲ و همکاران، ۱۳۷۳. اسطوره‌ها تنها نشانگر تفکر انسان‌ها درباره‌ی مفهوم اساسی زندگی نیستند، بلکه منشورهایی هستند که انسان بر اساس آن‌ها زندگی می‌کند و در باور خویش، توجیهی منطقی را برای زندگی می‌یابد؛ پس طرحی که جامعه بر آن استوار است، اعتبار پایانی خویش را از راه تصویرهای اساطیری به دست می‌آورد. اسطوره‌ها عقاید را بنا می‌نهند؛ تدوین می‌کنند و سرچشمه‌های قدرت مافوق‌الطبیعه هستند. برای همین وقتی می‌خواهیم اسطوره‌های ایرانی را بررسی کنیم، تنها به روایات تاریخی غیرواقعی یا بر شعرهای زیبا و باستانی نمی‌نگریم، بلکه بر جهان‌بینی اصلی ایرانیان و دریافت آنان از انسان، خدا و جهان نیز توجه می‌کنیم (هینلز^۳، ۱۳۷۳: ۲۵ و ۲۶).

حماسه نیز به آن رشته روایت‌های بلند اغلب شعری گفته می‌شود که با زبانی

¹ Shoor

² Gorin

³ Hynlz

پهلوانانه سروده شده است و از دلآوری‌های پهلوانان و شاهان بلندآوازه و قهرمان قوم در زمانی بسیار کهن یا در عصر تاریخی و از فتوحات جهان‌گشایانه‌ی آنان یاد می‌کند (بهار، ۱۳۷۶: ۹۴). این نوع ادبی بر ارزش‌های قومی و جمعی تکیه دارد که سراسر افراد ملتی در اعصار مختلف در آن دخالت دارند و یا مشکلی فلسفی مانند خیر و شر است که جهانیان همگی آن را ارج می‌نهند (صفا، ۱۳۹۲: ۳-۴).

سرزمین ایران با پیشینه‌ی استوار فرهنگی و تمدن ژرف، دارای نگرش‌ها، مفاهیم و شخصیت‌های اسطوره‌ای ویژه‌ی خویش است که سالیان سال با او زیسته است. وجود دشمن‌های قدرتمند همیشگی در شرق و غرب و پهنای سرزمین ایران، لزوم دفاع و مبارزه و یکپارچگی را در روایت‌های ایرانی، به صورت میهن‌پرستی، ملی‌گرایی و اهمیت وجود پادشاهی مقتدی، شایسته و دیندار بازتاب داده است (بهار، ۱۳۸۵: ۱-۴). در بیش‌تر منابع اسطوره‌ای و حماسی ایرانی، ایران و ایرانی ستایش شده است؛ به گونه‌ای که در مینوی خرد آمده: «پیداست که ملوک و ابرانبیج را از دیگر جای‌ها و روستاها بهتر آفرید و نیکی‌اش این است که زندگی مردم در آن یک صد سال است. ... درد و بیماری کم دارند و دروغ نمی‌گویند و شیون و مویه نمی‌کنند و در آن به تن آنان کم‌تر مسلط است. ... چون بمیرند پارسایند...» (مینوی خرد، ۱۳۹۱: ۵۸).

از سویی دیگر اسطوره‌ها و حماسه‌ها پیوسته در حال دگرگونی و نوشدن هستند. در این باره، بهار می‌گوید:

«از آن‌جا که در بسیاری از جوامع بشری حرکت و تغییر- هر چند گاه شتابان و گاه بسیار کند- وجود دارد و شرایط مادی و معنوی زندگی و میزان شناخت انسان بر اثر عوامل خودی و بیگانه ممکن است تغییر یابد، اساطیر نیز که در ارتباط دائم با زندگی و شناخت انسان است، خود دستخوش تحولاتی می‌گردد و با شرایط و شناخت‌های تازه سازگاری می‌یابد. حتی گاه بر اثر تحولات عمیق در جامعه، کیش‌ها و اساطیر تازه‌ای پدید می‌آیند که با وجود نام‌های مشترک با اساطیر و کیش‌های قبلی، دارای محتوایی تازه و ساختاری به کلی دگرگون شده‌اند» (بهار، ۱۳۹۱: ۳۷۲-۳۷۳).

اسطوره‌ها و حماسه‌های ایرانی نیز در راه پرفراز و نشیب تاریخ کهن خویش

دگرگونی‌هایی داشته‌اند. با توجه به آثار به جا مانده می‌توان گفت، اسطوره‌های ایرانی از اسطوره‌های گاهانی اوستایی به اسطوره‌های پهلوی مانوی و سپس به اسطوره‌های ایرانی پس از اسلام در حماسه‌ی ملی ایران، یعنی شاهنامه و سپس در تاریخ‌های فارسی و عربی دگرگونی داشته است (بهار، ۱۳۷۳: ۳۷-۳۸). این دگرگونی‌ها گاه به صورت «جابه‌جایی» است که یکی از نمونه‌های آن، اسطوره‌ی گاو یکتای بندهشنی است. بر اساس یک اسطوره‌ی کهن آریایی یا هند و اروپایی موجودی شگرف را به صورت غول یا مردی درشت و گاه به صورت گاو قربانی کردند و از پاره‌های تن او جهان را ساختند. در بندهشن گاو یکتا آفریده‌ی اوهرمزد که نیکو و سفید درخشانده و بسان ماه بود، پس از سی سال که در ساحل بهرود می‌چرید، به دست اهریمن کشته شد؛ نطفه‌ی او برای نگهداری و تطهیر به ماه منتقل شد و از آن گیاه و جانور پدید آمد. در کتاب دینکرد و گزیده‌های زاد/سپرم، کیکاووس که گاه پادشاهی بسیار یاره و خودسر است و جلوه‌هایی اهریمنی نیز دارد، گاو شگفتی را که آفریده‌ی هرمزد بود و در مرز ایران و توران می‌چوید، کشت. در شاهنامه از گاوی که فریدون را شیر می‌داد و نامش در فرهنگ‌ها به صورت «برمایون»، «برمایه» و «پرمایه» آمده، یاد شده که به دستور ضحاک کشته می‌شود. سرگارتی، ۱۳۸۵: ۲۱۷-۲۱۹. هم‌چنین اسطوره‌ها در گذر زمان ممکن است دچار «شکلی‌سازی»، «انتقال» «قلب»، «ادغام»، «حذف» و «فراموشی» شوند (آیدنلو، ۱۳۸۸ الف: ۳۹-۴۰).

مطالب پیش گفته نه تنها اهمیت توجه به اسطوره‌ها و حماسه‌های ایرانی را نشان می‌دهد، بلکه تأکید می‌کند که منتقدان، داستان‌نویسان و هر کس به نوعی با اسطوره‌ها و حماسه‌ها سروکار دارد، باید با این پویایی‌ها، دگرگونی‌ها و دیگر ویژگی‌های اسطوره و حماسه آشنا باشد تا بتواند اثری علمی، درست و با شالوده‌ای استوار خلق کند.

از نگاهی دیگر، این سازه‌های اساطیری حماسی با پشتوانه‌ای استوار، از پس زمانه‌ای دور، به پهنه‌ی پرنگار ادبیات گام نهاده و با آن پیوندی شگرف و همیشگی یافته‌اند؛ به گونه‌ای که کسانی مانند بولفینچ، اسطوره را کارگاه خلاقیت ادبی بشر

دانسته‌اند (بولفینچ،^۱ ۱۳۷۷: مقدمه مترجمان، ۳۱). بنابراین درک جنبه‌های هنری و اندیشه‌ای یک اثر ادبی، بدون شناخت این اشاره‌ها، رمزینه‌ها و کنایه‌های دقیق و ظریف ممکن نیست. اسطوره [و پیرو آن حماسه] برای ادیبان و به‌ویژه رمان‌نویسان معاصر ابزاری مهم و کاربردی است که از دو جنبه‌ی معنا و ساختار قابل درنگ است؛ اسطوره به دلیل شکل روایتی که دارد، نه‌تنها بر ساختار صوری رمان به عنوان قالبی روایی تأثیرگذار است؛ بلکه می‌تواند ظرفیت‌های معنایی بی‌کرانه‌ای را در اختیار رمان‌نویسان قرار دهد. با آگاهی از چنین نقشی است که داستان‌نویسان امروزی در جستجوی ساختاری منسجم و چیزی که بتواند بازتاب‌دهنده‌ی نگرش نو عصر، جهان و انسان باشد، به روایت‌های اسطوره‌ای [و حماسی] رو آورده‌اند (بزرگ‌بیگدلی و قاسم‌زاده، ۱۳۸۹: ۵۳).

توجه به این پدیده‌های اسطوره‌ای حماسی، در رمان نوجوان اهمیت بیش‌تری دارد؛ زیرا آشناسازی نوجوانان، که در سن خویشتن‌یابی هستند، با حماسه و اسطوره‌های اصیل، می‌تواند به پرورش روح ایرانی و هویت‌یابی آن‌ها یاری رساند. خوشبختانه، بررسی‌ها نشان می‌دهد، آفرینش رمان‌های اسطوره‌ای و حماسی برای نوجوانان افزایش یافته است. پس بررسی و نقد این آثار با توجه به منابع اسطوره‌ای حماسی ایرانی و درنگ بر دگردیسی‌هاشان می‌تواند راهنمای عملی برای همه‌ی افرادی باشد که در خلق این کتاب‌ها دست دارند؛ در این صورت، رمان‌نویس با شناخت و درک بیش‌تر از چگونگی این مفاهیم و شگردهای به‌کارگیری آن، گستره‌ی رنگارنگی از تصویر و روایت ژرف و ماندگار پیش چشم خواهد داشت و می‌تواند آثار سازنده‌تری را به نوجوانان این مرز و بوم، ارائه دهد.

جای بسی افسوس است که نگاهی کوتاه به پژوهش‌های انجام‌گرفته در ادبیات بزرگسال و به‌ویژه ادبیات کودک و نوجوان ایران نشان می‌دهد، پژوهش‌گران حماسه و اسطوره‌های اصیل، روایت‌ها و رویدادهای آن‌ها را نادیده گرفته‌اند و بیش‌تر به بررسی صورت‌های مثالی و الگوهای تکرارشونده (الگوهای یونگی و دیگر رویکردهای مانند آن) و جنبه‌های اجتماعی‌سیاسی آن توجه داشته‌اند. این سخن، به معنای

¹ Bullfinch

نادیده‌انگاشتن ارزش‌های این‌گونه پژوهش‌ها نیست و در این‌که اسطوره و حماسه با کهن‌الگوها پیوند محکمی دارند، جای هیچ‌شکی نیست؛ لیکن باید توجه داشت که این رویکردها تنها دربرگیرنده‌ی یک جنبه از جنبه‌های حماسه و اسطوره‌شناختی است. همچنین، این بررسی‌ها چنان فراگیر شده‌اند که به نظر می‌رسد، نقد «کهن‌الگویی» یونگ و رویکردهای مانند آن، جایگزین مفهوم اصلی اسطوره و حماسه شده و در نتیجه بررسی حماسه و اسطوره‌های اصیل در منابع اساطیری حماسی ایرانی نادیده گرفته شده است. حال آن‌که، اسطوره روایتی قومی است که در چارچوب‌های کلی پنهان نمی‌شود و تا اندازه‌ای هویتی جغرافیایی دارد؛ ولی کهن‌الگوها، صورتی نمادین و کلی هستند که در ادبیات تکرار می‌شوند؛ با هر دوره همسو می‌شوند و چنان قدرتمندند که می‌توانند جهانی باشند و در مخاطب احساس همانندی را برانگیزند (فرهنگ وبستر^۱، ۱۹۹۵: ۷۴).

با توجه به آن‌چه گفته شد، پژوهش پیش‌رو بر آن است تا با بررسی بینامتنی چند رمان برگزیده‌ی نوجوان با منابع اساطیری حماسی ایرانی، چگونگی بازتاب سازه‌های اسطوره‌ای حماسی را در این رمان‌ها بررسی و نقد کند. به این صورت که نگارنده، تمامی سازه‌های اسطوره‌ای حماسی رمان را با منابع اساطیری حماسی ایرانی بررسی می‌کند؛ شگردهای پردازش آن‌ها را می‌نماید و دگرگونی‌ها، شباهت‌ها و تفاوت‌ها را می‌کاود. امید است بتواند زمینه‌ی نگرش تازه و پویاتری را برای نویسندگان فراهم آورد تا با بازنگری در این نگرش، زمینه برای رشد همه‌جانبه‌ی رمان‌های اسطوره‌ای حماسی نوجوان فراهم شود.

^۱ Webster' Encyclopedia